

در محکومیت جنایت ترکیه در کردستان عراق،

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲

صفحه ۴

هفت تپه تنها نیست!

خالد حاج محمدی



مدتی است در هفت تپه تلاشهای جدیدی را علیه کارگران این مرکز و اتحاد آنها به راه انداخته اند. این تلاشها قرار است با عقب راندن کارگران هفت تپه و شقه شقه کردن صفوف آنها، علاوه بر تحمیل عقب نشینی و استیصال به آنها و خالی کردن زیر پای رهبران و سخنگویان کارگران در این مرکز، لطمه ای جدی به جنبش کارگری و امید و امیال این جنبش وارد کنند.

... صفحه ۲

در اعتراض به تصویب معاهده

استرداد زندانیان بین جمهوری

اسلامی و بلژیک

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری-ایران حکمتیست (خط رسمی) -
واحد بلژیک

۲۰ ژوئیه ۲۰۲۲ صفحه ۴

سایر اطلاعیه های حزب:

در پشتیبانی از بزرگترین اعتصاب چهار

دهه اخیر کارگران بنادر آلمان صفحه ۵

دشمن طبقات از رگ گردن به شما

نزدیک تر است! صفحه ۵

(در حاشیه هجوم نیروهای امنیتی به معدنچیان اعتصابی سونگون)

۴۱۷

هفتگی

حکمتیست

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲ - ۳۰ تیر ۱۴۰۱

پرچم تکه پاره شده اسلام زیر پای زنان



آذر مدرسی

وزیر ارشاد جمهوری اسلامی: «مردم نسبت به موضوع عفاف و حجاب و همچنین نسبت به پوشش، یک حس تاریخی عاطفی دارند که وابسته به هویت ملی و تاریخی شان است»
زنان در ایران: «نه روسری، نه توسری، رهبر منم، رهبر تویی، فریاد کن آزادی»

شاید هیچ کلامی، هیچ تصویری، هیچ بیانی شفاف تر و روشنتر از این دو ابراز وجود سیاسی - اجتماعی، تقابل و جدال عمیق میان جنبش حق زن که آزادی، حرمت، برابری اش اسیر حکومتی سرتاپا عفونت و ارتجاع شده است بازگو نمیکند. هیچ کلامی روشنتر از این اعلام این واقعیت نیست که ایران جامعه ای اسلامی نیست و مردم در ایران اسلام و اسلامیت را نه بعنوان راه و روش زندگی و نه بعنوان حکومت و قانون حاکم بر زندگی اجتماعی و خصوصی خود، نه هرگز انتخاب کرده و نه هرگز قبول کرده اند.

وزیر ارشاد، روی امید به مرگ حافظه تاریخی این جامعه که همان فردای به قدرت رسیدنشان «نه روسری، نه توسری» را فریاد زد و آنرا بر سر امام خمینی شان کوفت، و جعل این تاریخ زیادی حساب باز کرده است.

جامعه ای که در بدو حکومت اسلامی، خمینی را در اولین قدم از «شکر اضافی خوردن» خود، در تحمیل حجاب بر آن، پشتیبان کرد و او را مجبور به عقب نشینی و اعلام اینکه «اجباری» در حجاب وجود ندارد، کرد! عقب نشینی که تنها با برکت جنگ ایران و عراق، که در دامن حکومت افتاد، به تعرض تبدیل شد! تعرضی به جامعه که تنها با جنگ و مرگ و کشتار و گروگشی از «خون شهدا» برای اجباری کردن حجاب و تحمیل اسلام بر جامعه، توانست رنگ اسلامی بر جامعه بزند. این تاریخ واقعی تحمیل حجاب و حس تاریخی جامعه نسبت به آن است، نه ترهات جناب وزیر ارشاد! و این روزها هیچ چیز بهتر از فریاد «نه روسری، نه توسری، رهبر منم، رهبر تویی، فریاد کن آزادی»، جامعه ایران را به همان تاریخ صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

و گذشته خود، که این مومیایی های تاریخ را نمی خواست، وصل نمی کند و متصل نگاه نمی دارد.

هیچ فریادی رساتر از فریاد زنانی که چهل سال است علیرغم فشار حکومتی ضد زن، علیرغم تهدید و فشار سرنیزه بدستان و اوباش اسید پاش و فتوهای مشتی مهره عهد عتیقی و فسیل علیه خود، هنوز حاضر به قبول حاکمیت اسلام بر زندگی خود نیستند و از برابری و آزادی تام و تمام کوتاه نمی آیند، مهر شکست سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی را بر جامعه ایران نرده است. هیچ جنبشی در این ابعاد اجتماعی و به این گستردگی حکومت اسلامی را به مصاف نکشیده است.

مقاومت زنان در ایران علیه قرار گرفتن در انتهای صف میلیونی «حق زیستن»، «حرمت انسانی»، «آزادی»، «حقوق مدنی»، در انتهای صف بی حقوقان در این مملکت اسلام زده، در جامعه ای که بی حرمتی، استبداد و ضدیت با زن، با آزادی و تمدن قانون نوشته و ننوشته آن است، امروز تمام قد و با پرچم روشن خود در مقابل حاکمیت قرار گرفته و آنرا به زانو در آورده است.

امروز قوانین اسلامی، از حجاب تا «عفت و پاکدامنی اسلامی» و ممنوعیت شادی، از حق دولت و چاقوکشان آن در دخالت در زندگی خصوصی مردم، زیر پای میلیونها زن در ایران له و لورده شده و به «اندرزهای» «امام جمعه» ها و ترهات وزیر ارشاد، محدود شده است.

عر و تیز «آقا» در «زنده بودن خدای سالهای شصت» در مقابل جامعه «سالهای چهارصدی» حتی برای اعتماد به نفس دادن به «بچه های حوضه علمیه قم» هم کافی نیست. نه این عر و تیزها و نه «عذرخواهی» رئیس پلیس از «برخورده نادرست» اوباش گشت ارشاد به زنان «بدحجاب»، نه خود شیرینی «اصلاح طلبان» در دعوت از یاران چماقدار خود به «مهربانی به جای خشونت»، «احترام به حقوق شهروندی» و «گفت و گو» با مردم در مورد حجاب، قادر به نجات رژیم از موج عظیم ولشکر میلیونی زنان تشنه رهایی و برابری نیست. بن بست جمهوری اسلامی در مقابل این جامعه پایانی ندارد. برون رفتی برای آنها از این «مخمصه» موجود نیست!

در این جدال، افاضات امثال فائزه رفسنجانی ها در مورد دو قطبی ساختگی «حجاب اختیاری یا اجباری» که گویا درحاکمیت و تاریخ تحمیل اسلام بر یک جامعه، موضوعی قابل بحث و مشورت است، افاضاتی که تنها خوراک ابزار وجود مشتی اصلاح طلب فرصت طلب است، در کنار ترهات جناب وزیر ارشاد قرار می گیرند!

هر دو تلاش می کنند که تاریخ تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی بر جامعه ایران را به امری که گویا در آن درجه ای اختیار وجود دارد، قلب کنند. تلاشی که پاسخ اش را از جامعه گرفته است! «حجاب بی حجاب» مهر باطل شدی بر تلاش های اصلاح طلبان برای به حاشیه کشاندن جایگاه حجاب در پایه ریزی و بقا حکومت شان و تبدیل آن به موضوع رنگ و اندازه و مقررات تحمیل آن است.

این جنبش، جنبش رهایی زن، بخشی از یک جنبش عمومی تر، اجتماعی تر در همه ابعاد فکری، اجتماعی و سیاسی برای ریشه کن کردن اسلام و اسلامیت از جامعه ایران است. بخشی از یک جنبش رادیکال، ماگزیالیست و قوی ضد اسلامی، در ابعاد فکری و سیاسی آن است. جنبشی که با تولد جمهوری اسلامی در ایران متولد شد و امروز روی پای خود ایستاده و بر تخت سینه حاکمیت میزند و آنرا در منگنه و تنگنا قرار داده است.

جنبشی که اما فقط علیه بخشی از قوانین ضد زن اسلامی نیست، به لغو حجاب محدود نیست، به سکولاریسم نیم بند و سر و دم بریده جریانات میانه در اپوزیسیون راست، رضایت نداده و نمیدهد. این جنبش آزادی و رهایی و برابری خود را یواشکی و زیرجلکی و در سایه نمیخواهد. این جنبش علیه آپارتاید جنسی، علیه نابرابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی علیه زنان، علیه تبعیض علیه زن در همه ابعاد زندگی، در فرهنگ، در هنر، در زندگی خصوصی، در سنت، در مراودات و ... است. برای برابری بی قید و شرط زن و مرد و همه حقوق انسانی برای زنان، علیه تحمیل فقر و فلاکت به میلیونها انسان، زن و مرد، است. این جنبش بخشی از جنبشی میلیونی برای پیروزی و دستیابی به همه آزادی و برابری، گردانی از لشکر میلیونی جدال برای بازگرداندن اختیار به خود است.

جنبش احقاق حقوق زنان در ایران، مبارزه برای تک تک آن همین امروز، تمام حقوق زنان، یک رکن جنبش سوسیالیستی ایران است. به پیروزی رساندن این جنبش کار ما سوسیالیستها، ما مدافعین آزادی و برابری تمام و کمال، کار جنبش سوسیالیستی کارگری است که امروز علیرغم سرکوب وحشیانه قد علم کرده و برای نجات میلیونها انسان، از زن و مرد تا پیر و جوان و کودک، به میدان آمده است و میخ خود را مدتها است کوبیده است.

این مدت بر خلاف وعده هایی که دولت و سخنگویان آن، قوه قضائیه و عوامل محلی آنها دادند، يك ثانیه هم این صف در همراهی با کارفرمای قدیم و عوامل او از توطئه علیه این کارگران کوتاهی نکردند. اخیرا تلاش برای جدا کردن بخشهایی از هفت تپه و واگذاری آن به کارفرمایان متفاوت، از اسد بیگی تا ...، با اتکا به «قانون» و حق مطلقه مالکین هفت تپه و تقدس این مالکیت که طبیعتا برای هر کارگری روشن است یعنی چه، و مشخصا جدا کردن شرکت رب گوجه فرنگی و بخش «ام دی اف» در جریان است. اکنون مدتی است این تلاش با هدف لطمه به اتحاد کارگران و شکست صف متحد آنها از مجرای «قانونی» و با اتکا به آن بدست گرفته شده است. در همین مدت و بعد از کار برده وار کارگران بخش «ام دی اف» برای راه اندازی این بخش و وعده های مسئولین به کارگران، سرانجام بعد از راه افتادن این بخش، به جای افزایش حقوق کارگران و رسمی کردن آنها، اخراج کارگران معترض با این بهانه که مدت قرارداد به پایان رسیده، در جریان است. این سیاستها قطعا مورد اعتراض کل کارگران هفت تپه از همه بخشها قرار گرفته و به میدان جدالی جدی میان آنها و دولت تبدیل است.

اما این تمام ماجرا نیست! در کنار این اقدامات همزمان و در ادامه تلاشهای گذشته خود، سعی کرده اند عده ای از کارگران و حتی از کسانی که دوره ای به عنوان نماینده کارگران بودند را به سازش و تسلیم وادارند و عملا عده ای را به ابزار پیشبرد سیاست خود در هفت تپه تبدیل کنند. این سیاست قطعا جدید نیست و به قدمت این مرکز و خصوصا در پنج سال اخیر يك سیاست همیشگی بوده است. قبلا در هفت تپه شورای اسلامی داشتند که به همت کارگران درش به گل گرفته شد. اکنون و خصوصا در شرایطی که فقر وسیع دامنگیر طبقه کارگر شده است، تلاش برای قانع کردن تعدادی و تسلیم و مستاصل کردن آنها، با هدف تبدیل آنها به ابزاری علیه خود و رفقایشان که جای خالی شورای اسلامی منحل را بگیرند، در جریان است. اینکه این سیاست به کجا رسیده مورد بحث نیست و اینکه کارگران و فعالین کارگری مانند صدها توطئه و دسیسه دیگر برای خنثی کردن این سیاست میکوشند امری است مسلم. همچنانکه گفتیم این سیاستی قدیمی است و هر بار با تلاش کارگران و فعالین و رهبران هوشیار هفت تپه، خنثی شده و بی تردید این بار هم میتواند خنثی شود.

فکر نکنم بر هیچ کارگر آگاهی امری پوشیده باشد که طبقه کارگر در ایران چه در هفت تپه و چه در سایر مراکز کارگری در جدالی جدی با حاکمیت و کارفرمایان بر سر معیشت، بهبود و رفاه و آزادی است. فکر نکنم بر کسی پوشیده باشد که در این جدال با هر فراز و نشیبی که طی شده باشد، هم رهبران آگاه کارگری و هم سخنگویان بورژوازی ایران و دولتش، بر اهمیت این جدال و جنگ واقعی و دشمنی آشتی ناپذیر این دو صف با هم، آگاه اند. پیروزی و شکست هر کدام از این دو صف، تأثیرات و عواقب آن فراتر از يك مرکز کارگری و کارفرمای آن است. در این مسیر پیشروی و عقب نشینی از هر دو طرف تابعی از توازن قوا و وضعیت نیروی هر طرف و میزان آمادگی آنها است. هفت تپه از این قانون مستثنی نیست.

دستاوردهای هفته

کارگران هفت تپه در جدال چندین ساله خود دستاوردهای بزرگی کسب کردند و قطعا هنوز هم برای تامین مطالبات باقی مانده و تحمیل مطالبات دیگری که دارند میکوشند. هفت تپه اگر تا امروز گل سرسید جنبش کارگری بوده، اگر نام هفت تپه اعتبار است و این اعتبار تا جایی عمق یافته که حتی دشمنان کارگران در صف دولت و کارفرما و عواملشان برای تقابل با کارگران این مرکز گاهها به سر هفت تپه سوگند خورده و ریاکارانه از کارگر «دوستی» خود گفته و لباس کارگرپناهی به تن کرده اند، همه و همه بیان این اعتبار و دستاورد هفت تپه و جنبش کارگری است.

هفت تپه نه تنها زندانیان و مدافعان خود را از بند رژیم آزاد کرد، نه تنها سناریوهای سوخته حاکمیت را متولد نشده شکست داد، بعلاوه اسد بیگی و دستگاه قضایی و مقامات حکومتی در خوزستان را در جدالی همه جانبه شکست داد و عقب راند. محاکمه اسد بیگی، مستقل از اینکه امروز به کجا کشیده شده، پدیده ای بسیار بزرگ و يك دستاورد مهم برای جنبش کارگری بود. خلع ید از اسد بیگی در نفس خود واقعه ای مهم برای طبقه کارگر ایران و تحمیل یک عقب نشینی جدی به حاکمیت بود. کارگر هفت تپه و رهبران این مرکز بعد از خلع ید و اداره شرکت توسط دولت توقع «ماه غسل» نداشتند. اما این جدالی بود که کارگران هفت تپه و حامیان آن در يك طرف و جمهوری اسلامی با همه دستگاه سرکوب و مجلس، قوه قضائیه و دولت و دستگاه تبلیغاتی آن و کارفرمایان در طرف دیگر قرار داشتند. این پیروزی بسیار عظیم تر از این بود که گویا يك کارفرما خلع ید شده و به محاکمه کشیده و هفت تپه به دولت واگذار شده است. برای اولین بار کارگران یک مرکز تولیدی به اتکا به قدرت و اتحاد جمعی خود و علیرغم تمام تلاشها و توطئه های حاکمیت، موفق شدند نور چشمی حاکمیت را خلع ید کنند و جمهوری اسلامی و

نهادهایش از دستگاه قضایی تا استانداری و امام جمعه و ... را وادار به عقب نشینی کنند.

هفت تپه تلاش حاکمیت و فرصت طلبان و مشتبی مرتجع را برای لباس قومی پوشاندن به اعتراض کارگران و تلاش برای شعله ور کردن نفاق قومی و مذهبی، کارگر بومی و غیر بومی، شاغل و بیکار، بانزشته و تفاوت‌های جنسی را همگی عقب راند و بر همسرنوشتی طبقاتی همه کارگران مستقل از مذهب و ملیت و جنسیت و... با صدای بلند اعلام کرد و این ابزارهای ضد کارگری را بی خاصیت کرد. بعلاوه هفت تپه پرچم جنبش شورایی و اتکا به تصمیمات جمعی و دخالت همه کارگران در تجمعات خود و مجامع عمومی کارگری به عنوان ارگان تصمیم گیری، را بلند کرد. هفت تپه با اتکا به این ابزار اتحاد صفوف خود را حفظ کرد و تا اکنون هم به عنوان متحد ترین بخش جنبش کارگری نه تنها از کارگران این مرکز که از اعتصابات و اعتراضات کارگری و بخشهای محروم جامعه حمایت کرده است. هفت تپه در طی این مدت مدرسه ای بود برای کارگران این مرکز و رهبران و سخنگویان زیادی را از خود و در دل یک جدال دائمی بیرون داد. اینها و دهها مسئله بزرگ و کوچک دیگر همگی از دستاوردهای مهم این مرکز است و مدیون تلاش جمعی کارگران و هوشیاری رهبران و سخنگویان راستین آنها است. این دستاوردها نه تنها هفت تپه که جنبش کارگری را یک قدم جدی به جلو راند و به طبقه کارگراعتقاد به نفس داد.

بی تردید در این مسیر با همه موانع و پیچیدگی های آن، با همه مشکلات و تهدید و اربابی که علیه آنها بود، در کنار دستاوردها شاهد کاستی ها و کمبودهایی بوده ایم که بکرات توسط فعالین خود هفت تپه بیان شده است. صف رهبری در هفت تپه مانند هر مرکز کارگری دچار تغییرات شده است، عده ای جدید جلو آمده اند، عده ای هم لایذ در دوره ای کوتاه آمده یا از این صف خارج شده، کنار رفته اند، اینها واقعیات هر مبارزه ای است.

این مسیر مطلقا هموار نبود و پر از تهدید و ارباب، پر از اخراج و قطع نان خانواده کارگری، پر از توطئه و دسیسه علیه آنها بود. در این مسیر دولت و کارفرما ملیت و مذهب و همه ابزارها و تجارب بورژوازی علیه طبقه کارگر را به خدمت گرفتند. در کنار این جدال اصلی عده ای هم با اهداف مختلف در کمین نشستند تا با کوچکترین وضعی، با لغزش هر کارگری و حتی با هر شایعه ای، صف متحد کارگران این مرکز را نشانه بگیرند، به عنوان ریش سفید، کدخدا و معلم خود گمارده از در نصیحت برآمدند و با «بزرگ منشی» تلاش کردند دستاوردهای آنها را کوچک و ناچیز جلوه بدهند، حتی بعضا از اتهامات سخیف به مهمترین رهبران و فعالین آن کوتاهی نکردند. اما این یک مبارزه واقعی است که در آن ممکن است در دوره ای عقب نشینی کنید، در دوره ای با رسیدن به بخشی از مطالبات به اعتراض و اعتصاب پایان دهید و نیروی خود را آماده برای جدالهای بعدی کنید، صفوف خود را منسجم کنید. اینها در هر مبارزه واقعی چه کارگری و چه اقشار دیگر امری زمینی و واقعی است. نمایندگان و رهبران رادیکال هفت تپه هیچگاه به چنین «معلمین» و مبصرهای نیازی نداشته اند.

آینده هفت تپه

آینده هفت تپه مانند آینده هر مرکز کارگری تابعی از توازن قوا میان جنبش کارگری و حاکمیت از طرفی و درجه هوشیاری و حفظ اتحاد کارگری در این مرکز و موقعیت گرایشات مختلف در هفت تپه است. آینده هیچ جنبش و هیچ اعتراض کارگری و یا اعتراض هیچ بخش معترضی از جامعه، امری مدون و ثابت و همیشگی نیست. ما در جامعه ای بحث هفت تپه را میکنیم که بورژوازی حاکم است، دولت، قانون، دستگاه سرکوب، میدیا، فرهنگ و سنت و مذهب و ملیت و... همگی ابزاری علیه طبقه کارگر است و توسط بورژوازی و حکومتش روزانه به خدمت گرفته میشود. لذا روزانه جدالی میان طبقه کارگر و محرومان جامعه برای ابتدایی ترین مطالبه و حتی برای حقوق پرداخت نشده در جریان است. هیچ پیروزی ای مسلم و ابدی نیست و هیچ عقب نشینی هم همیشگی نیست. امر مسلم اینکه آینده هفت تپه به عنوان مرکزی کارگری و بخشی از طبقه کارگر بیش از هر چیز تابع چسبیدن به دستاوردهای کنونی و حفظ اتحاد کارگری در این مرکز است. این اتحاد قطعا بستگی به کار مستمر و همیشگی طیفی دارد که منافع عمومی، آبی و آبی کل جنبش کارگری را دنبال میکنند. این اتحاد و تامین آن همچنانکه در تجربه جنبش کارگری ایران و مشخصا تجربه خود هفت تپه شاهدش هستیم اتکا به تصمیمات جمعی و شورایی در این مرکز است. هیچ رهبر کارگری با هر درجه از روشن بینی و قاطعیت و رادیکالیسم، نمیتواند در میدان عمل و در دل یک جنبش اعتراضی تنها با اتکا به خود و اراده فردی جلو برود. میزان آمادگی جمعی و سطح مبارزه و توازن قوا هم در سطح عمومی و هم در خود آن مرکز امری تعیین کننده است و این جز از کانال شراکت همه کارگران، جمع شدن و بحث و مشورت کردن و قناعت کردن آنها به راه و تاکتیک و سیاستی که اتخاذ میشود، قابل تامین نیست. کارگر هفت تپه و سخنگویان و نمایندگان آنها بهترین تجربه را در این زمینه دارند. متحد نگاه داشتن کارگران حول مطالبات و همراه نمایندگان رادیکال خود، ادامه تلاش در آگاهی و افشا

توطئه های حاکمیت امروز در دستور نمایندگان رادیکال هفت تپه قرار گرفته است. بی هیچ تردیدی هفت تپه تنها نیست! هفت تپه و رهبران و سخنگویان آن، نمایندگان کارگری این مرکز و کسانی که در تمام این تاریخ هفت تپه را از تندپیچهای فروانی به جلو عبور داده و هدایت کرده اند، به عنوان چشم و گوش جامعه و جنبش کارگری نگاه میشوند و در قلب میلیونها کارگر و خانواده کارگری جای بزرگی دارند. دامنه دفاع عملی از مبارزات هفت تپه درست مانند دامنه دفاع بخشهای مختلف طبقه کارگر از کارگران نفت و گاز و پتروشیمی ها، مانند دامنه دفاع عملی از اعتصاب معادن و از صدها و هزاران اعتصاب کارگری در این سالها، تابعی از توازن قوا و سطح آمادگی جنبش ماست. تامین این آمادگی و به هم پیوند دادن عملی کارگران، شاغل و بیکار به همدیگر و در یک صف واحد، راهی است که باید پیمود و برایش کار کرد. اما و مستقل از هر مواعی که جنبش کارگری در این مسیر دارد، تلاش برای پیروزی در این مسیر و فایق آمدن بر موانع مختلف در میان جنبش ما روی میز همه ماست، چیزی که برایش تلاش میکنیم. اما هفت تپه تنها نیست، هفت تپه دین بزرگی بر جنبش کارگری دارد و بعلاوه هفت تپه ای ها بدهکار هیچ کسی نیستند. جامعه ایران و جنبش کارگری، جنبش محرومان در این جامعه به هفت تپه و شخصیتهای برابری طلب و هوشیار آن، به رهبران و سخنگویان آن به عنوان نور چشم های خود نگاه میکند. هفته تپه جایگاه والایی در جنبش کارگری و جنبش برابری طلبانه مردم ایران دارد.

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲

امروز روزیست که هر کارگر و انسان آزاده و معترضی در جامعه ایران برای هر قدم پیشروی خود و خنثی کردن نقشه‌های شوم حاکمیت دست به ایجاد مجامع عمومی، به شورا‌های کارگری و مردمی در محل کار و زیست می‌زند و به این مکانیسم‌های اجتماعی قدرت متکی می‌شود. آزادی، برابری، رفاه، برخورداری از بهترین و پیشرفته‌ترین نعمات مادی و در یک کلام تقسیم ثروت تنها با رفتن این نظام و تنها با برقراری حاکمیت شورایی میسر است.

در محکومیت جنایت ترکیه در کردستان عراق، نه به جنگ!

روز چهارشنبه ۲۰ ژوئیه دولت ترکیه منطقه ای توریستی در مرز زاخو در شمال کردستان عراق را توپ باران کرد. در نتیجه این حمله جنایتکارانه تا اکنون ۹ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شده اند که همگی مردم عادی و اساساً کسانی هستند که برای تعطیلات به این منطقه رفته بودند. این اولین بار نیست که ترکیه به بهانه مبارزه با «تروریسم» مناطق شمالی کردستان عراق و محل کار و زندگی مردم را از زمین هوا توپ و راکت باران کرده است. تا کنون صدها نفر از مردم قربانی این حملات شده و تعدادی از مردم ناچاراً روستاهای خود را خالی و بکلی این منطقه را ترک کرده اند. دولت ترکیه بعد از این حملات و با علم به نتایج جنایات خود در کمال بی شرمی مدعی شده است که تنها مراکز نظامی را هدف گرفته و از دولت عراق خواسته که به دام «تبلیغات» نیروهای تروریستی نیافتد تا تحقیقات در مورد این عملیات انجام گیرد!

بدنبال این جنایت، موجی از اعتراض و نارضایتی علیه ترکیه در شهرهای مختلف عراق راه افتاده است. مردم معترض در شهرهای بغداد و بصره در مقابل کنسولگری ترکیه تجمع کرده، خواهان اخراج سفیر ترکیه از عراق شده و بعلاوه پرچمهای ترکیه را آتش زده اند.

دولت ترکیه سالهای مدیدی است که سیاست قلندری، مباران و لشکر کشی به کردستان عراق را با توجیه مبارزه با نیروهای «پ ک ک» دنبال کرده است. لشکر کشی، جنایات دولت ترکیه و ترور اپوزیسیون کرد ترکیه نه تنها در مرزهای کردستان عراق و ترکیه بلکه و بعلاوه در عمق کردستان عراق به کمک و با توافق رسمی و غیر رسمی احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر کردستان عراق انجام گرفته است. حمله اخیر در شمال کردستان عراق ادامه سیاست رسمی و ناسیونالیستی دولت ترکیه است که همزمان در عراق و سوریه به پیش برده و بخشی از برنامه اعلام شده دولت اردوغان نه تنها برای تحکیم موقعیت خود در داخل ترکیه، بلکه و بعلاوه در جهت تثبیت موقعیت خود به مثابه یک قدرت نظامی در منطقه است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن محکوم کردن توحش دولت ترکیه، به خانواده قربانیان این جنایت تسلیت میگوید و امیدوار است که زخمی ها سلامتی خود را باز یابند. ما در کنار مردم معترض در عراق و منطقه به سیاست لشکر کشی و قلندری و میلیتاریزه کردن محل کار و زندگی مردم محروم توسط دولتهای مرتجع و برای مبارزه همه جانبه علیه جنایت اخیر دولت ترکیه و بند و بست دول منطقه، مردم آزادیخواه را به مبارزه ای همه جانبه فرامیخوانیم.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۱ ژوئیه ۲۰۲۲



قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکل اوست!

در اعتراض به تصویب معاهده استرداد زندانیان بین جمهوری اسلامی و بلژیک

در این ماه آکسیون های اعتراضی در مقابل پارلمان بلژیک علیه معاهده اخیر دولت این کشور و ایران برگزار شده است.

در اوائل ماه ژوئیه امسال، دولت بلژیک اعلام کرد در تلاش برای آزادی یک شهروند این کشور، اولیویه وانڈکاستیل، که در ایران برای یک انجمن کار می‌کند، او پنج ماه است که در زندان اوین و در سلول انفرادی به سر می‌برد. اعلام این خبر، اما تنها پس از مدت کوتاهی از افشای امضای مخفیانه ی معاهده بین ایران و بلژیک برای استرداد «مجرمین» در ماه مارس امسال اتفاق افتاد. معاهده‌ای که، در صورت تصویب، به دولت‌های بلژیک و ایران این امکان را می‌دهد که شهروندان خود، که در کشور دیگر محکومیت گرفته‌اند را به کشور خودشان بازگردانند دوران محکومیت شان را در کشور خودشان بگذرانند.

این معاهده در صورت تصویب به دولت جمهوری اسلامی این امکان را می‌دهد که اسدالله اسدی، دیپلمات تروریست ایرانی که در سفارت ایران در اتریش کار می‌کرد و در دادگاه بلژیک به جرم تلاش برای مپ‌گذاری در نشست سازمان مجاهدین در پاریس در سال ۲۰۱۵ به بیست سال زندان محکوم شد را به ایران بازگرداند و در مقابل اولیویه وانڈکاستیل را به بلژیک تحویل بدهد. این معاهده در رای گیری اولیه در پارلمان بلژیک با مخالفت حزب ناسیونالیست و دست راستی «ان و آ» مواجه شد و بررسی آن به ۱۴ ژوئیه موکول شد. در این روز گروههای اپوزیسیون ایرانی از همان ساعت‌های اولیه شروع به کار پارلمان در مقابل این ساختمان تجمع کردند و تا بعد از ظهر همان روز به اعتراض به این معاهده شرم آور و ننگین پرداختند. رای گیری تا روز سه شنبه ۱۹ ژوئیه به تعویق افتاد و در این روز هم گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی به اعتراض پرداختند و در مکان‌های مختلف تجمع کردند. اما در نهایت به دلیل عدم حضور نخست وزیر بلژیک در جلسه، رای گیری باز هم به تعویق افتاد.

امضای این معاهده بیانگر دو رویی ادعاهای سنتی دولت بلژیک است. بر خلاف ادعاهای رایج «دفاع از حقوق بشر» و «نه محکم به تروریسم»، این معاهده باری دیگر نشانگر این است که برای این دولت ها واقعی برای مپ گذاری و تروریسم و کشته شدن شهروندان خود قائل نیستند و به دنبال منافع خود، هیچ ابایی از معامله ندارند. معامله‌ای که دست جمهوری اسلامی برای ترور در خاک اروپا را باز می‌گذارد، و آدم ربایی و زندانی کردن و تعویض زندانی را رسمیت می‌دهد. دولت بلژیک با این معاهده، در واقع همراهی خود و شراکت خود در جنایات جمهوری اسلامی در حمله به مخالفین خود را عیان می‌کند.

دولت بلژیک با این توافق رسماً و عملاً شاخص «جرم» و «مجرم» شناخته شدگان در جمهوری اسلامی را به رسمیت می‌شناسد. جمهوری اسلامی که نه حق برائت مگر اثبات خلاف آن، نه حق وکیل و ... و نه هیچگونه حق و حقوقی را در سیستم قضایی خود به رسمیت نمی‌شناسد، با امضای چنین معاهده‌ای می‌تواند هر تبعه غیر ایرانی در ایران را دستگیر و با عوامل جنایتکار خود که در خارج کشور محاکمه شده اند، تعویض کند. دولت بلژیک با این معاهده شریک جرایم و جنایات جمهوری اسلامی است. در شرايطی که اعتراضات در ایران رو به افزایش است و مردم در ایران هر روز رساتر از پیش برای پایان دادن به عمر ننگین این حکومت مبارزه می‌کنند، در شرايطی که زندان‌های ایران مملو از زندانیان سیاسی است، امضای چنین معاهده ای دیگر نه مفاشات، بلکه شراکت رسمی در جنایات جمهوری اسلامی است.

اعتراضات علیه این معاهده، در عین حال نشان دهنده حضور صف وسیعی از مردم و نیروهای آزادیخواهی است که خواهان قطع حضور مهره های این رژیم و اشاعه سرکوب و تروریسم جمهوری اسلامی در خارج از ایران هستند. بر خلاف دولت بلژیک، این مردم اعلام کرده اند که حاضر به قبول گسترش جنایات جمهوری اسلامی علیه مخالفان خود در خارج از ایران نیستند و به دولت بلژیک اجازه نمی‌دهند که امنیت اتباع این کشورها و ایرانی‌های ساکن این کشورها را بیش از پیش به خطر اندازد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری-ایران حکمتیست (خط رسمی) -

واحد بلژیک

۲۰ ژوئیه ۲۰۲۲

در پشتیبانی از بزرگترین اعتصاب چهار دهه اخیر کارگران بنادر آلمان

هفته گذشته بنادر آلمان شاهد اعتصاب وسیع کارگران و همچنین طولانی ترین اعتصاب کارگری بنادر در طی ۴۰ سال گذشته بود. اعتصاب ۱۲ هزار کارگر در بنادر « Emden, Bremerhaven, Bremen, Brake, Wilhelmshaven, Hamburg » در اعتراض به شرایط نامطلوب کاری، و دستمزد پائین و نامتناسب با نرخ تورم افسارگسیخته اخیر در آلمان و اروپا شکل گرفت. کارگران در پی خواست افزایش دستمزد خود، برای چندمین بار در چند هفته اخیر، و این بار از روز پنجشنبه تا صبح شنبه، دست به اعتصاب زدند.

تا بحال چندین دور مذاکره بین اتحادیه کارگران و کارفرمایان انجام گرفته است. کارگران خواهان افزایش ۱۴ درصدی دستمزدها و پرداخت پاداش سالانه بدنبال میزان تورم فعلی شده اند ولی ششمین دور مذاکرات با امتناع کارفرمایان و دولت به شکست انجامید و نهایتاً زنگ شروع طولانی ترین اعتصاب کارگران بنادر آلمان در چهار دهه اخیر به صدا درآمد. اعتصاب کارگران بنادر در کشور آلمان، بزرگترین اقتصاد اروپا و کشوری که در حال حاضر با تورم سرسام آور مخصوصاً در بخش انرژی و غذا مواجه است، سازمان یافت.

کارفرمایان با جلب رای دادگاه، به مقابله با خواست و مطالبات کارگران پرداختند. به این ترتیب پس از شروع اعتصاب وسیع و گسترده کارگری، ماشین سرکوب دولت مداخله کرده و حمله پلیس به تجمع های اعتصابی کارگران بنادر را سازمان دادند. اما این حمله پلیس با مقاومت جدی و درهم کوبیده کارگران بنادر در آلمان مواجه شد و این اعتصاب حیاتی ترین شریان ترانسپورت کالایی در شلوغ ترین بنادر آلمان را در این مدت از کار انداخت و فلج کرد.

این اعتصاب بروزی از اعتراضات و اعتصابات میلیونی مردم و کارگران در بسیاری از کشورهای اروپا نظیر انگلستان، بلژیک، فرانسه، ایتالیا و... است. بر کسی پوشیده نیست که بورژوازی در تمامی کشورها تلاش دارند تا به بهانه جنگهای سیاسی، نظامی، اقتصادی شان بین دولت ها و قدرتهای منطقه با حلقه کردن سیاست ریاضت اقتصادی، سیه روزی و فقر و فشار روز افزون تورم را بر شانه های مردم و کارگران و اقشار کم درآمد بگذارند.

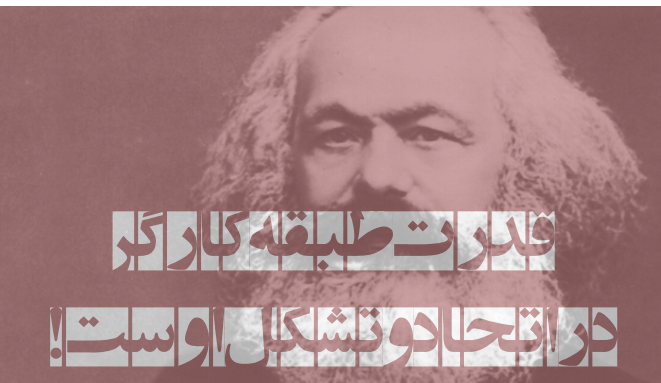
امروز همه شاهدیم که در شرایطی که بودجه های عظیم هزینه های نظامی و ماشین جنگی و پلیسی افزایش می یابد، کارگران و مردم حاضر نیستند که حمله به سفره و معیشت و دستمزد خود را قبول کنند. حاضر نیستند که این سیه روزی، سرشکن شدن هزینه بحران های اقتصادی و جنگها، را بپذیرند. فراتر اینکه، همه شاهدیم که اعتراض علیه این شرایط، رو به گسترش است و اعتراضات اخیر کارگران در انگلستان و ایتالیا و بلژیک و بیشتر کشورهای اروپایی همین را نشان می دهد.

ما همگام و متحد با کارگران، از خواست و مطالبات بر حق کارگران بنادر آلمان حمایت کرده و برای پیروزی این مبارزه و جلب بیشترین همبستگی از آن، تلاش می کنیم.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست (خط رسمی) -

واحد آلمان

۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲



قدرت طبقه کارگر

در اتحاد و تشکیلات اوست!

دشمن طبقات از رگ گردن به شما نزدیک تر است!

(در حاشیه هجوم نیروهای امنیتی به معدنچیان اعتصابی سونگون)

دیروز پنجشنبه اعتصاب پیوسته بیش از دوهزار کارگر معدن مس سونگون ورزقان، با گسیل نیروی یگان ویژه به محل اعتصاب در معدن روبرو شد و نیروهای امنیتی درصدد شکست اعتصاب برآمدند. شایان ذکر است که دهها نیروی ضدشورش و یگان ویژه به صورت مسلح به معدن اعزام شده و با سرکوب کارگران دست کم هفت نفر را بازداشت کردند. در چند روز گذشته که کارگران دست به اعتصاب زدند مسئولین حکومتی بجای تلاش برای تحقق خواسته های کارگران تنها تهدید به سرکوب و برخورد امنیتی کرده اند.

اینها همه در حالیست که سران ریز و درشت حاکمیت، از خامنه ای منفور و سران جنایتکار سه قوه و رسانه های حکومتی شان تا پادوهای امنیتی و بسیجی آنها، در شیپور «مقابله با توطئه های دشمن» می دمند. هر احداثی می داند که این «دشمن» کسی جز طبقه کارگر و مردم درصحنه نیست و این ترهات حاکمیت چیزی جز «ماشه کشیدن» نیروهای امنیتی این نظام بروی مطالبات کارگران و جنبش عظیم بپاخاسته برای آزادی، معیشت و رفاه در جامعه ایران نیست. اینها «دشمن» شان را خوب شناخته اند و می دانند که از رگ گردن به این حاکمیت نزدیک تر است؛ قدرت به میدان آمده جنبش عظیم محرومان جامعه ایران برای خط بطلان کشیدن روی تمامیت این نظام را دیده اند؛ خیال می کنند که می توان «سنت کشتار دشمن در همه دورانها» را تکرار کرد و به راحتی دیروزشان، امروز هم بساط شکنجه و اعدام و ترور و تیر خلاص زدن به رهبران سوسیالیست و دست اندرکاران اعتصابات و اعتراضات کارگری و مردمی در صحن جامعه پهن کرد.

پاسخ نیروهای سرکوبگر و پهلوان پنبه های امروز این حاکمیت را طبقه کارگر و مردم ایران می دهند. دستی که روی اعتصاب کارگر و مردم حق طلب بلند شود را باید شکست؛ منتظر عکس العمل سایر بخش های طبقه کارگر در محکوم کردن حمله پادوهای حاکمیت به معدنچیان اعتصابی سونگون و در هم بستگی و حمایت از هم طبقه ای های خود باشید! منتظر اعتصابات گسترده کارگران در سایر بخش ها و ضد حمله جنبش شورایی و بسیج گسترده مردم ایران در مراکز کار و محلات علیه قلعه فرسوده این حاکمیت باشید! مردمی که بنیادهای ایدئولوژیک این نظام را ویران و منسوخ کرده اند، طبقه کارگری که می دانند اقتصاد و فرهنگ و جامعه و زندگی می تواند جور دیگری اداره شود و بر پاشنه دیگری بچرخد، محال است که تا سرنگونی کامل این حاکمیت از اریکه قدرت و برپایی جهانی آزاد و برابر متوقف شود. این دیگر حکمی نیست که نیازی به اثبات داشته باشد و هر کله پوکی از کار بدستان این حاکمیت بدان اذعان کرده است و خطر را با گوشت و پوست حس کرده است. شومن بازی نیروهای امنیتی این نظام در حمله به اعتصابات اخیر کارگران معدن سونگون دوام نمی آورد. درست همان گونه که گسیل نیروهای اوباش این نظام به هفت تپه، به پتروشیمی ها، به عسلویه، به مصلحان و بازنشستگان و به رانندگان شرکت واحد راه به جایی نبرد. این حاکمیت در مقابل غول بپاخاسته طبقه کارگر ایران از پالایشگاه های نفت، از نیروگاه های برق و آب، از ترانسپورت و فولاد و هفت تپه و بافق و هپکو تا صف به هم پیوسته و متحد مصلحان و بازنشستگان، با هم سرنوشتی این طبقه و انزجار مشترک میلیون ها انسان علیه جمهوری اسلامی چه می کنند؟! مشت نمونه خروار است و قمپز درگردن های این حاکمیت با گسیل نیروهای جبون امنیتی آن به صفوف مقاومت و مبارزه کارگران و مردم محروم محکوم به شکست است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۷ تیر ۱۴۰۱ - ۸ ژوئیه ۲۰۲۲

hekmatist.com

یک دنیای بهتر

برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی



نینا

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نینا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نینا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نینا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نینا

radioeena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena